

مرثیه سرایی

واقعۀ عاشورا، مرثیه جانسوز شیعه است. مرثیه ای که مرثیه سرایان بی شماری در طول تاریخ داشته است و یکی از نخستین مرثیه سرایان آن، زنان بودند. زنانی مانند «ام البنین» مرثیه سرای پسران شهیدش بود. در مقاتل الطالبین آمده است: «ام البنین» که مادر چهار برادر کشته شده بود به بقیع می رفت و در آنجا، اندوهگین ترین و سوزناک ترین مرثیه سرایی ها را برای پسرانش انجام می داد. مردم، نزدا و گرد می آمدند و به آن مرثیه ها گوش فرامی دادند. مروان هم از جمله کسانی بود که به بقیع می آمد و به مرثیه ام البنین، گوش می داد و می گریست. «اما حضرت رباب، همسر امام حسین^(ع)، زنی فاضل و شاعر بود که داغش را بازبان مرثیه زنده نگه می داشت و نامش در مرثیه سرایان کربلا آمده است.

مشوق جهاد والگوی مقاومت

بسیار شنیده ایم که اگر تشویق و ترغیب زنان نبود شاید بسیاری از بزرگمردان پای در راه جهاد و مبارزه نمی گذاشتند. در واقعۀ عاشورا نیز زنانی مانند دلهم، همسر زهیر، این نقش را ایفا کرده اند. نقشی که در ادامه نهضت حسینی زنان بسیار میراث دار آن بوده و به همین خاطر امروزه ما نقش زنان را در ادامه مبارزه و تداوم مقاومت بسیار پررنگ می دانیم. همچنین همسر عمر بن جناده از دیگر زنان مشوق جهاد در واقعۀ کربلا بود. این زن بزرگوار پس از شهادت همسرش عمر بن جناده، فرزند جوانش را به میدان فرستاد و او را برای جهاد تشویق کرد. اما مشوقان جهاد تنها در سرزمین کربلا نبودند و زنانی بودند که در شهرهای دیگر مردم را برای یاری رساندن به امام حسین^(ع) تشویق می کردند. ماریه یکی از این زنان بود که در این امر تلاش بسیاری کرد و خانه اش مدتی محل تجمع و گفت و گوی طرفداران امام حسین^(ع) بود و توانسته بود افرادی را برای کمک راهی کند.

در میدان

هر چند که در واقعۀ عاشورا، زنان در زمره مبارزان نبودند، اما در کشاکش جنگ زنانی پس از مردانشان پا به میدان نبرد گذاشته و آماده جهاد بودند. طبری می نویسد: «ام وهب (پس از اینکه شوهرش به میدان جنگ رفته بود) چماقی برگرفت و سوی شوهر خویش رفت و می گفت: «پدر و مادرم به فدایت! از پاکان، از باقی ماندگان محمد دفاع کن.» (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۳۰) همچنین همسر جناده بن کعب انصاری که شوهر و فرزندش را تشویق به یاری حسین^(ع) کرده بود و آن دو در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده بودند خود نیز روانه میدان شد. او این گونه رجز می خواند: من پیرو زنی ناتوان و شکسته حالم، اما با ضربت خشن و سخت شمارامی گویم تا از حریم فرزند فاطمه (سلام الله علیهم) حمایت کنم. او دو نفر را به قتل رساند. امام حسین^(ع) به او دستور داد برگردد و برای او دعا کرد. (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۸)

اعلام براثت

تولی و تبری یکی از شرط های مهم برای یاری پیامبر و خاندان اهل بیت^(ع) است. شرطی که مادر زیارت عاشورا هم آن را می خوانیم و هر بار تکرار می کنیم. در واقعۀ عاشورا افرادی از نزدیکان دشمن علم براثت برداشته و از این کار ننگین اعلام بیزاری کردند. به همین خاطر یادشان در تاریخ ماندگار شده است که مشهورترین آن ها همسر یزید بود. درباره همراهی نکردن این زنان از جمله در الأمالی صدوق آمده است: «خاندان حسین علیه السلام را بر یزید بن معاویه وارد کردند و زنان خاندان یزید و دختران معاویه و خانواده اش صیحه زدند و فریاد کشیدند و نوحه سر دادند.» همچنین آمده است در استقبال از کاروان اسرا، زنان کوفی با سوگواری نسبت به ظلمی که بر خاندان اهل بیت^(ع) رفته بود، واکنش نشان دادند. در بلاغات النساء آمده است: جذام یا خذیم اسدی گفت: سال ۶۱ [سال شهادت حسین علیه السلام] به کوفه وارد شدم. زنان کوفه را در آن زمان دیدم که بر سر و صورت خود می زدند و گریان می درند.

حمایت و پشتیبانی

اما قبل و بعد از واقعۀ کربلا بودند افرادی که از مبارزان این نهضت حمایت و پشتیبانی کردند. حامیانی که حضورشان به دوام نهضت بسیار کمک کرد. در میان این حامیان زنانی حضور داشتند که با هر چه در توان داشتند، حمایت خود را از مبارزان نشان دادند و از این جهت می توانند الگویی برای مادر مسیر مقاومت باشند. یکی از این زنان «طوعه» است. بانویی که در شام تاریک مسلم بن عقیل وقتی اهل کوفه به او پشت کرده بودند، این شهید را پناه داد و با آن چه داشت از او پذیرایی کرد. همسر مختار نیز از بانوانی است که جاننش را در راه حمایت از خون خواهی امام حسین^(ع) گذاشت. تاریخ یعقوبی، سرنوشت او را چنین نقل می کند: «مصعب بن زبیر، اسماء دختر نعمان بن بشیر (همسر مختار) را دستگیر کرد و به او گفت: نظرت درباره مختار چیست؟ او گفت: به نظر من او انسانی باتقوا، پاک و روزه دار بود. مصعب گفت: ای دشمن خدا! تو از کسانی هستی که مختار را از عیب، فبزامی دانی؟! سپس دستور قتل وی را داد و گردن او را زدند. او نخستین زنی بود که باز جر، گردنش زده شد.»